

نگاهی به کتاب ارتباط‌شناسی

ابراهیم فیوضات*

ارتباط‌شناسی

ارتباطات انسانی (میان فردی، گروهی جمعی)

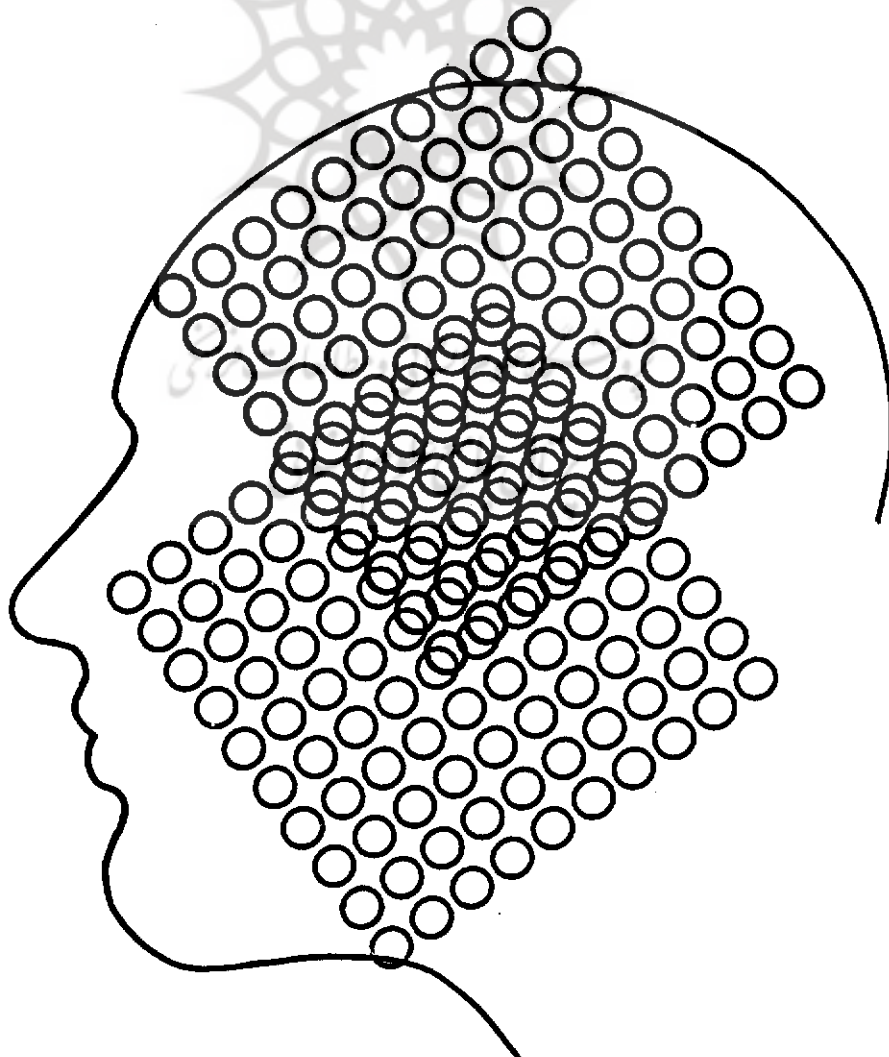
مهدی محسنیان‌راد

انتشارات سروش

تهران، ۱۳۶۹

۵۷۳ + ۳۴ ص.

«ابراهیم فیوضات، دارای دکترای جامعه‌شناسی و استاد دانشگاه شهیدبهشتی است.»



کتاب شامل ۸ بخش است، با مقدمه‌هایی از دکتر حمید مولانا و دکتر کاظم معتمدنژاد، استادان ارتباطات جمعی. بخش اول نگاه عمومی به ارتباط است، بخش دوم معنی در ارتباطات، بخش سوم پیامهای کلامی، بخش چهارم پیامهای غیر کلامی، بخش پنجم پیشنهاد یک مدل ارتباطی است (ارتباطات انسان با انسان)، بخش ششم سایر مدل‌های فراگرد ارتباط (توضیح حدود ۲۰ مدل ارتباطی)، بخش هفتم به سیر تحول ارتباطات انسان با انسان می‌پردازد و بخش هشتم گونه‌های دیگر ارتباطات انسانی را توضیح می‌دهد (ارتباط انسان با حیوان و انسان با ماشین). در پایان، فشرده‌ای از کتاب و متن کامل بخش پنجم به زبان انگلیسی درج شده است، به همراه کتابنامه، واژه‌نامه انگلیسی به فارسی، موضوع نامه و نامنامه.

هر کتاب که نوشته می‌شود، از نظر ارتباطی نوعی انتقال فرهنگی به‌شمار می‌آید. انتقال فرهنگی، زمانی به درستی شکل می‌گیرد که عناوین، مفاهیم، معیارها، نمادها، فولکلورها و مجموعه فرهنگ ملی - آن‌طور که هستند و در ذهن جاافتاده و مفهوم می‌شوند - مورد تحلیل قرارگیرند. اهمیت کار علمی و فرهنگی در این است که میراث فرهنگی هر قوم بنا به شرایط تاریخی آن، با ابزار موجود ارتباطی به نسل بعد منتقل شود. فردوسی و حافظ - به عنوان مثال - تلاش کردند تا میراث فرهنگی کهن این سرزمین را به خوبی به نسل بعد منتقل کنند. این انتقال، از خلق و خوی مردم گرفته تا سنت، افسانه و اسطوره ملی گذشته را در بر می‌گرفت.

هرگونه اشکال در این انتقال، گسست فرهنگی را در پی دارد. کشور ما، بر اثر محافظه‌کاری درونی و هجوم اقوام و بیگانگان، گسستها و پاره‌گیهای فرهنگی فراوانی را دیده و لمس کرده است.^(۱) این گسستها، در اصل یکی از موانع عمده درونی توسعه تاریخی کشور ماست که نیاز به بررسی و تحلیل اسنادی دارد.

ابزار انتقال فرهنگی، در مراحل ابتدایی دهان به دهان، سینه به سینه و شفاهی است. حتی اگر کتابی بر روی پوست حیوانات یا درختان نوشته می‌شد، به آواز بلند برای دیگران خوانده و شکل شفاهی آن حفظ می‌شد. مرحله کتابت، با پیدایش چاپ گوتنبرگ در قرن ۱۵ میلادی در اروپا آغاز می‌شود. این دوره، با تحولات بزرگ فکری، رنسانس علمی، شکاف در مذهب مسیحیت (ایجاد پروتستان و توجه به امور دنیوی)، پیدایش سرمایه‌داری و انقلاب صنعتی همراه است. در عصر کتابت، علم و آموزش از انحصار اشراف به در آمده و به جوامع وسیعتر انسانی سوق داده می‌شود. در نتیجه، امکان توسعه و رشد اندیشه فردی را فراهم می‌آورد. انسانی که تا قبل از این، تحت تاثیر اجتماع قومی و قبیله‌ای، با روابط سنتی و عاطفی و وجودی به اجتماع کوچک خود پیوند داشت، جاییش را به انسان قرن هجدهم داد که از فشار گروهی رها شده و در صدد کسب هویت و آگاهی خویش بود.^(۲) به علاوه، او در صدد یافتن منزلت و جایگاه مناسبی در جامعه بود. به قول رایزمن، از دوره رنسانس به بعد، نهضت اصلاح مذهبی و حرکت ضد آن و انقلابهای صنعتی و سیاسی سده‌های ۱۸ تا ۲۰، فرد را در محور هستی قرار داد. اساس این اندیشه فردی مکانیسم «هدایت از درون»^(۳)، همانا عقل و علم و اطلاع بود که انسان این عصر به آن مجهز بود. به باور مک لوهان، انسانی که تا آن زمان به هر طرف که جمع می‌رفت حرکت می‌کرد، به یک «قطب‌نما» مجهز شد که با آن بتواند جهت را بیابد و حیات متفاوت را بشناسد و راه خود را انتخاب کند. بر این اساس، روحیه ابتکار و خلاقیت فردی در عرصه‌های علمی و صنعتی و هنری و تلفیق آنها کارکرد پیدا کرد. کار شدید هنرمند و انگیزه قوی، زندگی فردی را متحول ساخت. کار، جوهر حیات این افراد به‌شمار می‌آمد. این افراد، با اینکه بعضاً دانشمند هم نبودند، اما ابزار مخترعان را از

طریق تکمیل روند کار فراهم آوردند، و جسارت در قلمرو فکر و رقابت در عرصه صنعت، کل جامعه را متحول ساخت.^(۴)

بنابه نوشته کتاب محسنیان‌راد، کشور ایران در حدود سال ۱۸۳۷ میلادی یعنی یک قرن و نیم پیش، به چاپخانه دسترسی پیدا می‌کند، یعنی حدود ۴ قرن پس از پیدایش چاپ گوتنبرگ (ص ۴۹۸). در آن زمان، بی‌سوادی در جامعه ایرانی (با ۱۱ میلیون جمعیت) به ۹۹ درصد می‌رسید (ص ۵۰۰). با ایجاد رادیو و بعدها تلویزیون در جهان، حدود دو دهه بعد، این ابزار ارتباطی وارد ایران می‌شود.^(۵) گذار سریع از تمدن کتبی به تمدن تصویری در ایران، یا به نوشته کتاب، عبور از کهکشان گوتنبرگ به کهکشان مارکونی، سبب می‌شود که تمدن کتبی در جامعه ما جانيفتند. ویژگیهای این تمدن نیز دقت، کنجکاوی، انضباط، مسئولیت، تعمق، وجدان کار، اصالت در کار و در مجموع «هدایت از درون» است.

در مرحله انقلاب صنعتی، در اغلب زمینه‌های زندگی اجتماعی، پراکندگی به تمرکز گرایید. نهادها و عرصه‌های دولت و دیوان‌سالاری به تمرکز روی آورد و در نتیجه این دوره تمرکز و عصر ماشینیسم، اطلاعات یکجور و همگن در اختیار جامعه قرار گرفت و بنابه باور مک لوهان، دهکده جهانی نمود پیدا کرد.^(۶) از ویژگیهای این دهکده جهانی، سرعت در پخش خبر است که وسایل ارتباطی، امکان آن را فراهم آوردند.

عصر جدید، به عقیده تافلر محقق آمریکایی، به جای همگن‌سازی قدیمی که ویژه عصر دودکشها و انقلاب صنعتی است، تنوع و چندگانگی را ممکن ساخت.^(۶) این چندگانگی، اکنون با زوال جنگ سرد و فروپاشی بلوک شرق تغییرات مهمی در عرصه دولت و جامعه جهانی برجای گذاشته است. تحمل صدای مخالفان در دستگاه دولت به شکل یک اصل به تدریج پذیرفته می‌شود و مشارکت و نقش افراد در تصمیم‌گیری به واقعیت نزدیک می‌گردد.

در عصر جدید دهکده جهانی، در عین حال که جامعه به سوی وحدت پیش می‌رود، گرایش به کثرت دارد. در عین سیستم پخش واحد پیام، تفسیر و تعبیر ناهمگن به کار گرفته می‌شود. به باور محققان وسایل ارتباطی - نظیر لازار سفلد و آدرنو - مردم به شکل مستقیم پیامها را دریافت نمی‌کنند، بلکه به وسیله فرهنگ و گروه و تفسیر آن با پیام برخورد می‌کنند.^(۷) با وجود وحدت در ارسال پیام، ما با کثرت معنا مواجهیم. این ظرافت در برخورد فرهنگها، ساخت پیچیده‌ای به آنها می‌دهد و در نتیجه فرهنگ بومی و یا خرده فرهنگها را وادار به بازسازی می‌کند. در این روند جذب و دفع، فرهنگها در عین همشکل شدن، ناهمگون می‌شوند.^(۸) بنابراین حیات فرهنگهای ملی و منطقه‌ای، در جهانی به هم پیوسته با دهکده جهانی، حفظ و تثبیت می‌شود.

در زمینه ارتباطات تصویری (کلهکشان مارکونی) یا عصر الکترونیک، کتاب مطالب فراوانی دارد. این عصر مواجه با انقلاب بزرگی است که حیات انسان به خود دیده است.^(۹) این دوره، با پیدایش تلگراف، تلفن، رادیو، تلویزیون، روایات، ماهواره و کامپیوتر همراه است. این تکنولوژی پیشرفته، سبب تغییرات غیر قابل پیش‌بینی در روابط شرق و غرب جهان شده است. جنگ سرد در نتیجه پیشرفت تکنولوژی هسته‌ای از بین رفته است. به علاوه عصر ایدئولوژی در غرب به پایان خویش رسیده است. انقلاب اطلاعاتی، رویدادهای اجتماعی شگفت‌انگیز را به وجود آورده است. این انقلاب اطلاعاتی، سبب شد کودتا در کشور پهناوری نظیر شوروی سه روز بیشتر دوام نیاورد، در رومانی رییس جمهوری مقتدر ظرف دو سه روز از قدرت خلع و محاکمه و اعدام شود و رؤسای جمهوری اتیوپی و گرجستان در مقابل مخالفان به سرعت صحنه را ترک گویند. در کامبوج گروههای مخالف رژیم حاکم در رهبری کشور به یک نتیجه منطقی

می‌رسند. در آفریقای جنوبی نلسون ماندلا پس از سی سال از زندان آزاد می‌شود و فعالیت کنگره آفریقا با دولت نژادپرست آن کشور نزدیک می‌شود و این کنگره در اثر استمرار در کار، اهمیت ویژه‌ای کسب می‌کند، و... در واقع، تحمل صدای مخالفان در دولت به شکل یک اصل به تدریج پذیرفته می‌شود. نقش مردم و مشارکت آنها در تصمیم‌گیری به دموکراسی واقعی نزدیک می‌شود. این دگرگونیهای اساسی، کلیه نهادها و سازمانهای متمرکز گذشته را زیر سؤال می‌برد. کشورها را وامی‌دارد که برای سازماندهی آینده و تجدید نظام نوین عصر کامپیوتر به پژوهش پرداخته و برنامه‌ریزی کنند. گفتنی است که در این تحولات، نهادهای اولیه به شکل دیگری در آینده به حیات خود ادامه خواهند داد. آنچه صراحت دارد این است که آینده قابل پیش‌بینی نیست. سرعت تحولات جوامع انسانی برق‌آسا و باور نکردنی است. بلوک‌بندیهای جدید، جانشین شرق و غرب سابق می‌شوند، جنگ سرد جایز را به تغییرات و واکنشها و رقابت فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی میان بلوک‌بندیها می‌دهد.

تئوری تضاد که نزدیک به یک قرن بر جهان، از واحد خانواده گرفته تا عرصه جامعه جهانی، سنگینی می‌کرد، جایز را به رفورم و پذیرش همدلی می‌دهد. صف‌بندیهای فکری به هم نزدیک می‌شود و عصر تفاهم را نوید می‌دهد.

در اصل، انقلاب ارتباطات و یا امواج، مرزهای ملی را در نوردید. این تحول بزرگ، بیش از انقلاب صنعتی و تمدن کتبی، زمینه اشاعه علم و آموزش و سواد را در جوامع انسانی فراهم آورد. سیستم امواج و تصویر، حدود مرز زمانی و مکانی را کنار زد. و به این ترتیب، شیوه سنتی آموزش مدارس و دانشگاهها را زیر سؤال برد و این ضرورت را مطرح کرد که سیاست فرهنگی همچون سایر عرصه‌های دیگر به تعریف جدید «امنیت ملی» دست بزنند. نفوذ امواج در درون یک کشور، تحولاتی را به دنبال آورد.

ضرورت آمادگی برای پذیرش این تغییرات حس می‌شود. این تحولات در عین نوید بخش بودن، نگرانی زیادی ایجاد کرده است. یکی از نگرانیهای عمده، آمادگی نداشتن جوامع و دولتها برای پذیرش تغییرات و تحولاتی است که هر روز در جهان به وقوع می‌پیوندد و نتیجه آن، تحولاتی است که عصر کامپیوتر به وجود آورده است. این تحولات در عرصه سیاسی، غیر متمرکز شدن دولت، در عرصه اقتصادی، تولید غیر انبوه، در عرصه اجتماعی، تحول در بنیان خانواده و در عرصه فرهنگی، جهانی شدن فرهنگ در عین پسرنگ شدن خرده فرهنگهاست.

کتاب از مدلها بحث و گفتگو می‌کند. نویسندگان در تحلیل مدلها به بیشتر آرا و عقاید صاحب‌نظران عنایت دارد و به شکل وسواس آمیزی نمی‌خواهد چیزی را ناگفته بگذارد. گستردگی این نظرات و مدلها سبب شده که خواننده نتواند در ذهن خود همه این مطالب را جادهد. آوردن آرا و عقاید صاحب‌نظران به صورت یکجا، انسجام مطالب، طبقه‌بندی و روش کار را تا حدی با اشکال مواجه می‌نماید. ارائه این نظرها در یکجا، کار تألیف و پژوهش را بیشتر به ترجمه شبیه می‌سازد که قواعد خاص خود را دارد و مترجم را به امانت‌داری و رعایت سبک مؤلف محدود می‌کند. به علاوه، این سبک نوشتن، کار و زحمات نویسنده را کم جلوه داده و به نظر می‌رسد که مؤلف به مدل نظری خاص خود دست نیافته و تنها نظرهای دیگران را پشت سرهم ردیف کرده است. توهم دیگری که ممکن است در زمینه سبک پیش‌آیند سنت معمول و ناپسند حرفهای پیچیده و انتزاعی زدن و مفلوگویی در کشور ماست. این شکل بیان و نوشتن، بنابه نوشته کارل پوپر، سنتی است که از هگل به جا مانده و هایدگر آن را ادامه داده است.^(۱۰) این سبک در جامعه ما به علت کوتاهی دوران تمدن کتبی، گسست مداوم تاریخی - فرهنگی گذشته، پایین بودن سواد و آگاهیهای اجتماعی، ضعف و

بی‌مسئولیتی روشنفکران و اهل قلم، درجا زدن در دوران قبیله‌ای و توقّف در سنتهای فکری و اجتماعی قبیله‌ای در جامعه ما باب شده و حاصل آن به قول پوپر «آلودگی کلام» بوده است. یعنی پرداختن به شکل ظاهر و بازی با واژه به جای معنی.

کتاب *ارتباط‌شناسی از نظر مفهومی*، غنی است، اما می‌باید روش انتقال این مفاهیم را با بازبینی دقیقتری پیدا کرد. بخشی از نوشته‌ها می‌تواند در زیرنویس قرار گیرد و مانع پراکندگی مفاهیم کتاب شود و به آن انسجام ببخشد (از جمله: قتل لوترکینگ در ص ۴۲۳). *ارتباط‌شناسی با کمی کار و اصلاح روشی (متدیک)* می‌تواند در زمره کتابهای خوب و ماندنی در زمینه ارتباطات جمعی قرار گیرد.

کلمات و واژگان در انتقال مفاهیم، اهمیت خاصی دارند. ایجاد واژگان، ضروری است و روندی است که گذشته و حال را به هم پیوند می‌دهد. با پیشرفت تکنولوژی، فنون جدیدی کشف و اختراع می‌شوند و تأثیر آن بر جامعه، تغییراتی ایجاد می‌کند که همگی نیازمند واژگان جدید است. مؤلف بر این امور واقف است و یک فصل را به بحث در زمینه واژه فراگرد^۲ اختصاص داده است. یادآوری این نکته ضروری است که برخی واژگان نظیر روند یا مکانیزم در طول زمان در زبان فارسی جاافتاده است. به کارگیری کلمات معادل آن نظیر فراگرد به جای روند و ساز و کار به جای مکانیزم و بازخورد^۳ به جای ستاده و بیرون آمدن به جای نتیجه^۴ و چرخه به جای سیکل^۵، درک مفاهیم را برای خواننده مشکل می‌کند. به کارگیری واژگان جدید و دقیقتر، برای انتقال بهتر مفاهیم است، حال اگر این کار باعث شود که خواننده نتواند مفهوم را دنبال کند، باید از به کارگیری آن چشم‌پوشی کرد.

2. process
3. out put
4. out comes
5. cycle

انتشار کتاب یک انتقال علمی است که به گروه، قشر، جنس و سن، و طایفه اجتماعی ارتباط پیدا می‌کند. نویسنده تلاش کرده است تا خواننده را در فضای کتاب قرار دهد و با تصاویر و نمودار آشنا کند. او با طبقه‌بندی موضوعی و ارائه مطالب فرهنگی - علمی درصدد است که در ذهن خواننده بیشتر اثر بگذارد. درست است که فهم مطلب عرضه شده به سطح دانش و زمینه پیشین فرد ارتباط دارد، اما از آنجا که این کتاب برای کسانی نوشته شده که به زبان خارجی کاملاً مسلط نیستند و علاقه‌مندند که مطالب مربوط به ارتباطات را دریابند (ص ۴۰۵ و ۴۰۶)، کتاب باید قابل هضم‌تر باشد. آشکار است که افراد برای یادگیری و آشنایی با فرهنگها، به طور متفاوت سیستمهای اجتماعی - فرهنگی متفاوتی را که با تجربه‌ها و مطالعات آنان بستگی دارد، به کار می‌گیرند (ص ۴۰۳)، اما هرچه بتوان دیدگاه فرهنگی آنان را وسعت بخشید و آنان را به تفکر و اندیشیدن و ادار ساخت، رسالت مؤلف در انتقال فرهنگی بهتر و بیشتر ایفا شده است. در اینجا است که معمولاً هر نویسنده‌ای سعی می‌کند خوانندگان خود را تا حدودی مورد شناسایی و ارزیابی قرار دهد. نویسنده می‌داند که برای کدام گروه اجتماعی، کلام جنس و سن دست به قلم می‌برد. بدین سان نویسنده می‌داند با تمایلات، رفتارها و سلیقه‌های اجتماعی متفاوتی طرف است و برای آنان می‌نویسد. نویسنده تلاش دارد تا در عرصه خاص، افکار و اندیشه‌ها را جذب کرده و به تهییج و تفکر و تأمل، و تعمیق شیوه انتقال فرهنگی بپردازد.

کتاب بیشتر در سبک و سیاق یک دایرةالمعارف است تا یک کتاب درسی و دانشگاهی و یا یک نوشته اجتماعی. کتاب مملو از داده‌هاست. مؤلف تلاش دارد تا چیزی را جانگذارد و از قلم نیندازد و چون ادبیات ما در زمینه ارتباطات مطلب کم دارد، او می‌کوشد تا خواننده را با ادبیات موضوع آشنا کند. مؤلف درصدد است تا کار

انجام نشده را با گسترش کتاب جبران نماید. در گذشته‌ای نه‌چندان دور، رساله‌ها و کتابها به علت ضعف پژوهش مؤلف به جای پرداختن به اصل موضوع دچار حاشیه‌پردازی و اتشائونوسی می‌شد. این کتاب درست برخلاف گذشتگان حاشیه‌پرداز عمل کرده است، یعنی مطالب و مفاهیم گسترده‌ای را در زمینه ارتباطات که خود می‌تواند وسیله نوشتن دو جلد کتاب را فراهم آورد، در یک مجلد جا داده است.

پانوشته‌ها

۱. انقلاب مشروطه می‌تواند نمونه‌ای از یک گسست تاریخی - فرهنگی به‌شمار آید. این انقلاب، یک تحول فرهنگی غنی و سرشار از تجربه‌های سیاسی، انقلابی - چریکی، اقتصادی، اجتماعی و هنری است. تجربه‌های این دوره، به درستی به نسل بعد منتقل نشده است و به علت فضای نامناسب، فاصله زیادی میان مردم دوره مشروطه و مردم دوره بعد دیده می‌شود.
۲. قدرت تلویزیون، ژان کازنو، ترجمه علی اسدی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲، ص ۶۳.
۳. فرایند صنعتی شدن و ایجاد نظم علمی، ابراهیم فیوضات، نامه علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
۴. رسانه‌ها و توسعه فرهنگی، علی اسدی، رسانه، شماره ۱ (بهار ۱۳۷۰).
- فرهنگ، توسعه و ارتباطات، علی اسدی، جامعه سالم، شماره ۱، ۱۳۷۰.
۵. جامعه‌شناسی ارتباطات، باقر ساروخانی، انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۷، فصل پنجم.
- آینه‌های جیبی مک‌لوهان، ابراهیم رشیدیپور، انتشارات رادیو تلویزیون ملی ایران، ۱۳۵۲.
- مک لوهان عقیده داشت که وسایل ارتباط جمعی منشاء تغییرات هستند، همان‌طور که مارکس به اقتصاد و فروید به سکس اهمیت می‌داد (روزنامه کیهان، ۱۹/۱۰/۷۰).
۶. جابجایی در قدرت، الوین تافلر، ترجمه شهیندخت خوارزمی، ناشر: ترجم، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۵۸۴.
۷. موقعیت فرهنگ اسلامی در قبال تکنولوژیهای نوین ارتباطی، فریبرز بیات، [مقاله در دست چاپ در مجله رسانه].
۸. انقلاب اطلاعات و آینده فرهنگی جهان، علی اسدی، نامه فرهنگ، شماره ۱، ۱۳۶۹.
۹. سوج جدید دنیا به کدامین سو می‌رود؟، الوین تافلر و پورلاسکی، رونق، سال اول، شماره ۱۰، ۱۳۷۰.
۱۰. گفتگو با کارل پوپر، ترجمه ابراهیم فیوضات، کلک، شماره ۱۲۰، ۱۳۷۰.